

تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران

Sociological Explanation of Anomic Sexual Relationships in Iran

T. AzadArmaki, Ph.D. ✉

M. H. Sharifi Saei, M.A.

دکتر تقی آزادارمکی ✉

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

محمدحسین شریفی‌ساعی

کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۹/۶/۲
دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۰/۴/۱۹
پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۲۰

Abstract

Anomic Sexual Relationships, pre marital sex, in Iran is in rise and dominant policy is to ignore it. This study has focused on the discovery of major social factors in development of these relations. This study is a qualitative research. 34 males were interviewed who reported such relationships. Results shown that issues like need, curiosity and experience, social networks and friendship groups, unemployment and economic conditions, cultural pressure, increasing age of marriage, rise of modern communication

چکیده

رابطه جنسی «پیش از ازدواج» (آنومیک) در ایران در حال افزایش است و سیاست غالب، نادیده گرفتن آن است. پژوهش حاضر به دنبال کشف عوامل اجتماعی مؤثر، در بروز و شکل‌گیری این روابط است. این تحقیق، یک پژوهش با رویکرد کیفی است. در این تحقیق با ۳۴ نفر از مردانی که این‌گونه روابط را تجربه کرده‌اند مصاحبه گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند که مواردی چون احساس نیاز، حس کنجکاوی و کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی سوژه، بیکاری و شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش

✉ Corresponding author: Faculty of social Science, Gisha, Tehran, Iran
Tel: +9821-61117838
mail: Tazad@ut.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، گیشا، دانشکده علوم اجتماعی

شماره تماس: ۰۲۱-۶۱۱۱۷۸۳۸

پست الکترونیکی: Tazad@ut.ac.ir

technologies, and emerging new cultural values in the society, have been the most important factors in the development of these relationships. Underlying mechanisms for these relationships, is Complex and multistage. The needs drive the person to satisfy them. He initiates within legitimate and cultural bounds to satisfy those needs. If the legitimate and cultural ways of satisfaction fails, then anomie might be a choice at this stage. The person seeks new ways of reaching to satisfaction. These new cultural ways, provide the groundwork for the formation of pre marital sexual relationships.

Keywords: Need, Sexual need, Emotional need, Cohabitation, Anomie, Relative deprivation, LifeStyle.

تکنولوژی‌های ارتباطی نوین و پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند.

ساز و کار گرایش به این‌گونه روابط، مکانیسمی پیچیده و چندمرحله‌ای دارد. نیازها به سوژه برای ارضای آن‌ها فشار وارد می‌کنند. سوژه به دنبال راه‌های مشروع و فرهنگی ارضای نیاز است. اگر راه‌های فرهنگی و مشروع ارضای نیازها برای همه فراهم نباشد کسانی که به طور مشروع و قانونی نتوانند آن نیازها را برطرف کنند دچار آنومی می‌شوند. در این مرحله، سوژه آنومیک، به دنبال راه‌های فرهنگی جدید برای تأمین نیازهای خود می‌گردد. شیوه‌های جدید فرهنگی، زمینه را برای شکل‌گیری روابط پیش از ازدواج فراهم می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: نیاز، نیاز جنسی، نیاز عاطفی، هم‌بالینی، آنومی، محرومیت نسبی، سبک زندگی.

مقدمه

جامعه ایران در طول سال‌های اخیر دچار تغییرات فرهنگی و ارزشی فراوانی شده است. در این بین، تغییرات ارزشی در ایران، روندی طولانی را سپری نموده است (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۸۱). در فاصله بین سال‌های اولیه پس از انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی، مسئله «رابطه دختر و پسر» به واسطه قرار داشتن کشور در دوران طلایی انقلاب، پایبندی شدید به ارزش‌ها، درگیری کشور در جنگ و درگیری مردم با آن، کمتر به عنوان یک «مسئله اجتماعی» مطرح بود. اما در دهه هفتاد، این موضوع به تدریج گسترش یافت و به دنبال آن سیاست‌های کنترلی و سخت‌گیرانه در مورد روابط دختر و پسر شدت گرفت. از سوی دیگر، روند اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه با خرداد دوم خرداد و سیاست‌های سهل‌گیرانه‌تر پس از آن رو به افول گذاشت و اگرچه هیچ‌گاه رابطه دختر و پسر تأیید نشد اما برخورد و «بگیر و بند» هم تا حدود زیادی کاهش یافت. این عقب‌نشینی نه محصول اراده سیاسی فردی خاص در عرصه سیاست‌گذاری که بیشتر ناشی از ناتوانی «سیاست‌های کنترلی»

در مقابله با تغییرات اجتماعی بنیادین و ظهور نسل جدیدی از جوانان شهری با ارزش‌ها و باورهای متفاوت بود. نظیر همین سیاست‌های سخت‌گیرانه و پلیسی در اوایل دهه هفتاد، در مورد ماهواره نیز وجود داشت اما با وجود «غیرقانونی بودن»، اکنون کمتر کسی از «جمع‌آوری ماهواره‌ها» سخنی به میان می‌آورد. اتفاقی که امروز افتاده است نه «پذیرش رسمی» ماهواره که پذیرش تغییرات واقعی در جامعه است. به نظر می‌رسد روابط جنسی پیش از ازدواج^۱ نیز روندی تقریباً مشابه را سپری می‌کنند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که رابطه جنسی پیش از ازدواج در ایران در حال افزایش است (گرمارودی، ۱۳۸۸ و سلیمی‌نیا و دیگران؛ ۱۳۸۴، محمد، ۲۰۰۸). گسترش این‌گونه روابط، از جمله موضوعات حساس و مغفول در امر سیاست‌گذاری و مطالعات آکادمیک در ایران است. به نظر می‌رسد به خصوص طی دو دهه اخیر، الگوی روابط جنسی پیش از ازدواج در جوانان دچار تغییرات فراوانی شده و اکنون با تحولات قابل توجهی در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان روبه‌رو هستیم (مهدوی، ۲۰۰۸). امروز تفاوت در نگرش به «نحوه رابطه» با جنس مخالف به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌های شهری بدل شده است (بلسک و باس، ۲۰۰۱). اکثر این روابط، پنهانی و دور از چشم والدین شکل گرفته و تداوم می‌یابند. در این بین، «جوانی جمعیت» و «رفتارهای پرخطر» آنان در این سن (زاده‌محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸؛ عطایی و همکاران، ۱۳۸۸؛ هدایتی‌مقدم و فتحی‌مقدم، ۱۳۸۸) به یکی از عوامل هشداردهنده در ایران بدل شده است. مسئولان ذیربط از احتمال گسترش فزاینده ایدز در میان نوجوانان و جوانان سخن می‌گویند و تلویحاً روابط جنسی پرخطر در این سنین را عاملی برای آغاز شکل‌گیری «موج سوم ایدز^۲» در ایران می‌دانند.

روابط جنسی پیش از ازدواج، پدیده‌ای است که بیشتر با فرهنگ و حوزه زندگی خصوصی افراد آمیخته است تا حوزه عمومی و همگانی ولی نمود آن در حوزه عمومی غیرقابل انکار است. با گسترش امکانات جدید ارتباطی (مانند ماهواره و اینترنت) به تدریج، جامعه ایران با امواج گسترده تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه گردیده است. چرخشی در نسل و روندی که نشانه تغییر در جامعه است هم‌چنین هنجارها و ارزش‌های سنتی آن، کمتر در جوانان تأثیرگذار بوده است. این تغییرات، به شدت در حال رسوخ به درون خانواده ایرانی است. تغییرات ارزشی با شکاف بین‌نسلی‌ها و پشت‌کردن نسل‌های جوان‌تر به ارزش‌های سنتی در جامعه شروع می‌شود و ممکن است به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر نیز بیانجامد و حتی گفتمان موجود را تغییر دهد. در دوره تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، جامعه شاهد بیشترین واگرایی و شکاف بین نسلی خواهد بود به طوری که موضوع تفاوت‌های بین‌نسلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود (عباسی و ایمان، ۱۳۸۶). تفاوت‌های سنی در رابطه با

رفتارها و ارزش‌های خانواده نیز منطبق است. نسل‌های جوان‌تر با پذیرش عقاید و ارزش‌های جدید، نقش تعیین‌کننده‌ای را در شکل دادن به تغییرات اجتماعی برعهده می‌گیرند. حال آن‌که نسل‌های قدیمی‌تر با پایبندی به ارزش‌های سنتی جامعه، در برابر تغییرات سریع مقاومت نشان می‌دهند (ثونتون، ۱۹۹۸: ۸۷۴). تحقیقات نشان داده‌اند که این مقاومت، صرفاً سرعت تغییرات را کاهش داده ولی آن را متوقف نکرده (ربانی و صفایی‌نژاد، ۱۳۸۴)، به همین دلیل است که ارزش‌های مربوط به خانواده^۳ حتی در مواجهه با تغییرات پرشتاب اجتماعی و فرهنگی و تضاد ارزشی بین نسل‌ها و مقاومت‌های پیش رو نیز هم‌چنان گرایش به تغییرات تدریجی را در خود مشاهده می‌کند. اما در این بین، مشکلات اقتصادی، گسترش ارتباطات و برخورد‌های فرهنگی ناشی از این گسترش، سبب گشته‌اند که روابط جنسی پیش از ازدواج با جنس مخالف به تدریج در میان نسل‌های جوان‌تر، جای پای خود پیدا کنند (گرمارودی، ۱۳۸۸) که این امر ناشی از مشکلات ساختاری در این حیطه است که زمینه را برای ظهور این پدیده فرهنگی - اجتماعی جدید فراهم کرده است. پدیده‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی دیگر در جامعه باشد.

ظهور این‌گونه روابط در جامعه، ریشه‌های فراوانی دارد. یکی از مهم‌ترین علت‌های گرایش به آن، جنبه‌های «زیستی» پیدایش سائق جنسی است که «شیوه ارضای» آن اجتماعی است. طبق نظریه سلسله مراتب نیازهای^۴ مازلو، «نیاز جنسی» جزء دسته نیازهای اولیه، فیزیولوژیک و اساسی ارگانسیم محسوب می‌شود که بالاترین فشار را به فرد وارد می‌آورند (مازلو، ۱۹۷۰: ۳۵-۵۸). پیدایش انگیزش جنسی، جنبه‌ای زیستی دارد و نحوه کنترل و ارضای آن، جنبه اجتماعی دارد. از سوی دیگر، خاصیت عصر جدید این است که فاصله بین «بلوغ جنسی» و «بلوغ اجتماعی و اقتصادی» را افزایش داده که نتیجه این امر، بالا رفتن سن ازدواج در جوامع مدرن است. ازدواج، شیوه اجتماعی و مشروع ارضای نیاز جنسی در ایران است. اکنون فاصله بین بلوغ جنسی و ازدواج در ایران به بیش از ۱۰ سال رسیده است. در این بین، افراد مختلف با فشارهای ناشی از بلوغ جنسی به شیوه‌های متفاوتی برخورد می‌کنند. تحقیقات اندک در این زمینه نشان می‌دهند که روابط جنسی پیش از ازدواج در شهرهای بزرگی چون تهران، افزایش چشمگیری یافته است (مهردوی، ۲۰۰۸؛ گرمارودی، ۱۳۸۸). مسئله‌ای اساسی که سیاست غالب در صدد نادیده گرفتن آن است. از طرف دیگر، بسیاری از والدین هم یا از ماجرا باخبر نیستند و یا در صورت اطلاع و پرسش از فرزندان با ممانعت آن‌ها از ادامه گفتگو مواجه می‌شوند و این امر به این دلیل است که بسیاری از فرزندان، والدین خود را محرم اسرار جنسی‌شان تلقی نمی‌کنند. با عنایت به گسترش نسبی روابط جنسی قبل از ازدواج در ایران و عدم شناخت کافی نسبت به علل اجتماعی بروز و شکل‌گیری این روابط، برای شناخت بیشتر از روابط پنهانی در زیر پوست شهر، این تحقیق رسالت خود را در پاسخگویی به سوالات زیر می‌داند: فردی

که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه می‌کند، چه درک و معنایی از رفتار خویش دارد؟ و عوامل اجتماعی غالب، در بروز و شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج کدامند؟

مروری بر ادبیات پیشین

مطالعات در زمینه جامعه‌شناسی خانواده حکایت از تغییرات گسترده‌ای در این حوزه در طی نیم قرن اخیر در سراسر جهان دارد. گسترش رابطه جنسی پیش از ازدواج، محصول «انقلاب جنسی»^۵ در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در جوامع غربی است (لگاکاس، ۲۰۰۹). روزگاری در چند دهه پیش، این مسئله حتی برای مردم کشورهای توسعه‌یافته نیز پدیده‌ای جدید محسوب می‌شد و طرفداران کمتری داشت اما به تدریج این تغییرات ارزشی، صورتی وسیع‌تر و فراگیرتر پیدا کردند. هاردینگ و جانکس (۲۰۰۳) نشان داده‌اند که در سال ۱۹۶۹ بیش از ۷۵٪ آمریکاییان اعتقاد داشتند که رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری «زشت و مذموم» است، اما تنها چند سال بعد، دیدگاه غالب نسبت به این‌گونه روابط در آمریکا، تغییرات فاحشی پیدا کرد. به طوری که تنها ۳۳٪ آمریکاییان در دهه ۱۹۸۰ اعتقاد داشتند که رابطه جنسی پیش از ازدواج، امری ناپسند است و باید از آن پرهیز نمود و این در حالی است که در جامعه امروز آمریکا تقریباً همه جوانان، رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه می‌کنند^۶ (رگنر و آکر، ۲۰۱۱).

اما این تغییرات به آمریکا محدود نشد و به کشورهای اروپایی و بعد از آن به تدریج به سایر نقاط جهان در اشکال مختلف اشاعه یافت. در آمریکای شمالی و اروپا، شیوع «رابطه جنسی پیش از ازدواج» با «افزایش سن ازدواج» ارتباط مستقیمی دارد (ولینگ و دیگران، ۲۰۰۶). در سال‌های اخیر در این کشورها نه تنها سن ازدواج^۷، «افزایش» یافته که میزان ازدواج^۸ هم نسبت به یک دهه قبل «کاهش» چشمگیری داشته است (لی، ۲۰۱۰). امروزه جوانان در این کشورها، «کمتر» و «دیرتر» ازدواج می‌کنند. این تغییرات، گویای آن است که در چند دهه اخیر، واقعه‌ای مهم در این جوامع روی داده است. به تدریج رابطه جنسی پیش از ازدواج و تداوم آن، منجر به پیدایش گونه‌های جدیدی از خانواده در این کشورها گردیده که از «هم‌بالینی»^۹ می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین آن‌ها در غرب نام برد. خانواده‌های جدید^{۱۰} که به سرعت در حال افزایش است. امروزه ۳۰٪ جوانان انگلیسی، هم‌بالینی را بر ازدواج مقدم می‌دانند (بارلو و دیگران، ۲۰۰۶) و این در حالی است که در کشورهای اسکندیناوی و شمال اروپا، هم‌بالینی به طور کامل ازدواج را به حاشیه رانده است. در این کشورها اکثر جوانان، هم‌بالینی را به ازدواج ترجیح می‌دهند (ویک، ۲۰۰۹). اما با افزایش ارتباطات، روند

تغییر الگوهای روابط جنسی به کشورهای مختلف در قاره‌های دیگر هم اشاعه یافت. به طور مثال در آسیا و در چند دهه اخیر در چین و به‌خصوص بعد از سیاست درب‌های باز^{۱۱} در دهه ۱۹۷۰ در این کشور و اصلاحات گسترده اقتصادی پس از آن در دهه ۱۹۸۰، به تدریج نگرش‌های عمومی به روابط جنسی پیش از ازدواج تغییر کرد و چنان گسترش و تنوع یافت که «مسئله امروز» جامعه چین را از روابط جنسی «پیش» از ازدواج^{۱۲} به روابط جنسی «خارج» از ازدواج^{۱۳} مبدل کرده است. جامعه امروز چین با حجم انبوه جوانانی مواجه است که به هیچ‌وجه حاضر به ازدواج رسمی نیستند و در قالب‌های دیگری چون هم‌بالینی و یا روابط آزاد و رابطه با روسپیان به ارتباط جنسی مبادرت می‌ورزند که در نتیجه آن، افزایش چشمگیر بیماری‌های مقاربتی چون ایدز را برای جامعه چین به همراه داشته است (ژانگ، ۱۹۹۹). در تحقیقی دیگر، گومن (۲۰۰۶) نشان داده که در چند دهه اخیر، رابطه جنسی پیش از ازدواج در ویتنام نه تنها افزایش یافته که الگوی آن هم تغییر کرده است. این روابط در گذشته، بیشتر به ارتباط با کارگران جنسی^{۱۴} خلاصه می‌شد اما جوانان امروزی در ویتنام، بیشتر تمایل به رابطه با کسی دارند که می‌خواهند با او در آینده، ازدواج کنند. نتایج تحقیق گومن نشان می‌دهد که ۴۲٪ مردان ویتنام شمالی و ۲۵٪ مردان در ویتنام جنوبی، قبل از ازدواج با همسر فعلی‌شان، رابطه جنسی داشته‌اند. ساکالی و گلیک (۲۰۰۳) نیز نشان داده‌اند که ترکیه هم روندی تقریباً مشابه از «تغییرات ارزشی» را در چند دهه اخیر سپری نموده است. آن‌ها استدلال می‌کنند که در گذشته در ترکیه، فرهنگ عمومی چنان بود که روابط جنسی پیش از ازدواج در صورت آشکار شدن به یک رسوایی بزرگ تبدیل می‌شد، اما در دو دهه اخیر این دیدگاه منفی نسبت به مردان کم‌کم از بین رفت اما برای دختران باکره، هم‌چنان این روابط به عنوان یک تابو^{۱۵} محسوب می‌شد. گرچه مطالعات اخیر در ترکیه نشان داده‌اند که با تغییر نگرش‌ها نسبت به «ارزش بکارت»^{۱۶} دختران در هنگام ازدواج، روز به روز این روابط در میان دختران ترک هم، گسترش بیشتری می‌یابد (ارکمن، ۲۰۰۱). تحقیقات در کشورهای دیگری چون هند و ژاپن، گویای آن است که در چند دهه اخیر، روابط جنسی پیش از ازدواج در این جوامع سنتی و قدیمی هم روند رو به رشدی را طی کرده است (مالیکا، ۲۰۰۷؛ رایمو، ۲۰۰۹).

باید این نکته را در نظر داشت که نمی‌توان به سادگی این تحولات را به سنت، پیشینه و تاریخ جوامع غربی و سایر جوامع مذکور در بالا نسبت داد و منکر شکل‌گیری این‌گونه روابط و یا روابط مشابه در ایران شد، چرا که مطالعات مختلف در ایران نیز خبر از تغییراتی گسترده ولی پنهان در زیر پوست شهر و در بین جوانان شهری می‌دهد (آفاری، ۲۰۰۹). در این زمینه به هر دلیل، تحقیقات چندانی در ایران صورت نگرفته است. یکی از تحقیقات قابل توجهی که می‌توان در این زمینه نام برد مربوط به کار خانم پردیس مهدوی است. رویکرد مهدوی، کیفی^{۱۷} بوده است. نمونه‌های آماری وی پسران و عمدتاً دختران طبقه‌های متوسط و بالای تهران و مشهد بوده‌اند. وی در تحقیق خود نشان

می‌دهد که بسیاری از جوانان ایرانی، رابطه‌ی جنسی پیش از ازدواج را در متن روابط سالم و کاملاً بهنجار می‌دانند. گزارش‌هایی که مهدوی از نمونه‌های آماری خویش گرد آورده نشان می‌دهد که جوانان ایرانی از محدودیت‌های فضای عمومی پرهیز می‌کنند. «فن‌آوری» در این میان نقش عمده‌ای را بازی می‌کند؛ تلفن همراه، چت‌روم‌های اینترنتی و اس‌ام‌اس، ارتباط اجتماعی را در هر جا ممکن ساخته است. او در کار خود می‌نویسد که رابطه جنسی کنترل‌نشده در ایران افزایش یافته است. بسیاری از جوانان طبقات متوسط و بالای شهری از لوازم پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی هم استفاده نمی‌کنند که در نتیجه، خطر بیماری‌هایی چون ایدز را در میان آنان به شدت گسترش داده است (مهدوی، ۲۰۰۸: ۱۰۴-۱۳۵). تحقیقات مشابه دیگری نیز در سال‌های اخیر انجام گرفته است. گرماوردی (۱۳۸۸) در تحقیق خود، با مطالعه ۲۴۰۰ «دانش‌آموز دبیرستانی» (۱۴ تا ۱۷ سال) به این نتیجه رسید که بیش از ۲۰ درصد آنان، نزدیکی جنسی را در طول زندگی خود تجربه کرده‌اند و این در حالی است که تنها ۸ درصد آن‌ها در آن سن، تجربه کشیدن سیگار را عنوان نموده بودند. خلج‌آبادی و مهریار (۱۳۸۹) در تحقیق خود گزارش کرده‌اند که نزدیک به ۲۵ درصد «دختران مجرد» دانشجویان در دانشگاه‌های بزرگ تهران، در طول زندگی خود به نوعی، رابطه جنسی با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند که ۱۰ درصد از آن‌ها به رابطه کامل جنسی ختم شده است. محمد و همکارانش (۲۰۰۷) نیز در تحقیق خود در سال ۱۳۸۶ نشان داده‌اند که ۲۸٪ نوجوانان و جوانان شهری (دختر و پسر)، رابطه جنسی قبل از ازدواج را تجربه کرده‌اند.

تمام تحقیقات بالا نشان می‌دهند که روند افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج، یک روند جهانی است که با تغییر آرام ارزش‌ها و به تدریج، ابتدا منجر به تغییر در ساختار خانواده و کارکردهای آن و سپس با تغییر گفتمان غالب، حتی می‌تواند منجر به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر شوند. از طرف دیگر و با نگاهی کوتاه به ادبیات پیشین در این حوزه مشخص شد که با توجه به اهمیت نظام روابط جنسی در جامعه، به هر دلیل، پژوهش‌های جامعه‌شناختی چندانی در این مورد در ایران صورت نگرفته و جامعه‌شناسی ایرانی دچار فقرِ شناختی شدید نسبت به این موضوع بکر و البته حساس برای جامعه است. موضوعی که می‌تواند تأثیرات مختلفی را بر نهاد خانواده و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن بگذارد که همین امر، اهمیت انجام این تحقیق را مشخص می‌کند.

روش

این تحقیق، یک پژوهش با «رویکرد کیفی» است که به دنبال تبیین تفهیمی رفتار کنشگران در

زمینه روابط جنسی نامتعارف‌شان در جامعه است. درک عمیق و جامع «چرایی» و «چگونگی» پدیدارها، رسالت پژوهش کیفی است (ریچ و گینسبرگ، ۱۹۹۹: ۳۷). روش تحقیق کیفی، بیش از آن‌که تعمیمی باشد، انعکاس‌دهنده مفاهیم ناشناخته است و در اکتشاف مسائل و نکات جدید در رابطه با موضوعات مختلف و حوزه‌هایی که کمتر بدان توجه شده و کمتر بسط داده شده، کاربرد دارد (دارلینگتون و اسکات، ۲۰۰۲: ۳). «پرسش‌های عمیق» از نحوه اندیشه و رفتار کنشگران نسبت به روابط جنسی پیش از ازدواج‌شان، راهی جز تحقیق کیفی ندارد.

پژوهش حاضر از نوع تحقیقاتی است که در آن، پژوهشگر به جای آزمودن تئوری‌های موجود در قالب فرضیات مختلف، به بررسی و تدوین یک چهارچوب مفهومی جدید می‌پردازد. برخلاف تحقیق کمی که محقق غالباً با یک نظریه مشخص و فرضیات کاملاً تعریف شده سروکار دارد و درصد آزمودن آن‌ها می‌باشد، در تحقیق کیفی محقق درصد آزمودن نظریات و فرضیات از قبل تعیین شده نیست، بلکه کوشش می‌کند از خلال بررسی و مطالعه فرایندهای اجتماعی^{۱۸}، به یک برداشت و درک نظری از واقعیت مورد مطالعه دست یابد (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۱۳). به عبارت دیگر، تحقیق اکتشافی کیفی نه برای آزمون فرضیه که روشی برای تولید آن است. لذا از این جهت، این تحقیق، فاقد فرضیات اولیه است. البته این‌که تحقیق کیفی با نظریه و فرضیات خاصی شروع نمی‌شود، به معنای نداشتن دغدغه نظری نیست، در تحقیق کیفی نظریه بیشتر نقش ارجاعی دارد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق، تمامی مردان تهرانی هستند که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. نمونه‌گیری در این تحقیق، در چهارچوب نمونه‌گیری غیراحتمالی و با روش نمونه‌گیری هدفمند^{۱۹} انجام شده است. در این روش، پژوهشگر در پی کسانی است که تجربه‌ای غنی از پدیده مورد بررسی و هم‌چنین تمایل به بیان آن را داشته‌اند. در این تحقیق با ۳۴ نفر از مردانی که رابطه جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند، مصاحبه گردید^{۲۰}. پیدا کردن نمونه برای مصاحبه در مورد مسائل حساسی چون روابط جنسی نامتعارف، مشکل است و جلب اعتمادزایی در آن دشوار. لذا در این تحقیق، تنها راه این بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و با معرفی «دوستان معتمد» این افراد، و بعد از «اعتمادزایی» به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شود. با توجه به در نظر گرفتن «منطق نمونه‌گیری کیفی^{۲۱}»، معیار ورود به نمونه در این پژوهش، داشتن تجربه رابطه جنسی پیش از ازدواج و هم‌چنین تمایل به بیان آن در قالب یک مصاحبه عمیق بوده است. از طرف دیگر، معمولاً نمونه مورد مطالعه در تحقیقات کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست و حجم نمونه با سطح اشباع‌پذیری ارتباط تنگاتنگی دارد. «تکرار» داده‌های جمع‌آوری شده قبلی، مشخص‌کننده تعداد نمونه‌های مورد

نیاز تحقیق است که همین مسئله را «اشباع داده‌ها»^{۲۲} می‌نامند. به هر حال، نمونه‌گیری در این تحقیق با توجه به ویژگی‌هایی چون سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت اقتصادی پاسخگویان صورت گرفته است. در این راستا، درجه‌ای از انعطاف‌پذیری نیز لحاظ گردید.

ابزار پژوهش

در این مطالعه جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته^{۲۳} و تعاملی^{۲۴} استفاده شده است. این نوع مصاحبه به دلیل «انعطاف‌پذیری» و عمیق بودن آن برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. روش اجرا در این تحقیق بدین صورت بود که پرسش‌های چندی به عنوان «راهنمای مصاحبه» طراحی شدند که پاسخ‌های باز و تفسیری داشتند و پاسخ نمونه‌ها، روند آن‌ها را هدایت می‌کردند. سوالات با تمرکز بر مطالب تحت پوشش، در یک راهنمای مصاحبه آورده شدند. توالی آن‌ها برای هر شرکت‌کننده متفاوت بود. فرآیند سوالات بستگی به فرآیند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد داشت. اما با این حال، راهنمای مصاحبه این اطمینان را می‌داد که محقق، داده‌های مشابه را از شرکت‌کنندگان جمع‌آوری نماید. فرم مصاحبه نیز شامل دو دسته از سوالات بود: ۱. سوالات اساسی، ۲. سوالات پیگیری^{۲۵}؛ سوالات اساسی در این تحقیق، دایره وسیع کاوش و سوالات پیگیری، دایره محدود دانش را شامل می‌شدند. سوالات با دایره محدود کاوش^{۲۶}، اختصاصی‌تر و با دایره وسیع کاوش، گسترده‌تر بودند. سوالات اساسی شامل: "چطور شد که وارد این فضا شدی؟" و سوالاتی دیگری چون "تجربه و احساسات را از بودن در این فضا برایم بگو" و سوالات کاوشی مانند: "می‌توانی برایم یک مثال بزنی" و یا "آیا منظورت این است که ... چگونه ... و ...". در این‌جا هدف محقق، رسیدن به «عمق تجربه» پاسخگویان و همچنین «کشف» معنایی است که آن‌ها برای اندیشه و رفتارشان قائل هستند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه‌های انفرادی استفاده شد. زمان مصاحبه نیز نامحدود بوده و بستگی به وضعیت شرکت‌کنندگان داشت (بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه). در این پژوهش، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل داده‌ها به صورت «هم‌زمان» صورت می‌گرفت و در صورت امکان، هر مشاهده یا مصاحبه بلافاصله تحلیل و تفسیر می‌شدند و بعد از فرآیند مراحل کدگذاری، به استخراج و تحلیل محتوای صحبت‌های پاسخگویان پرداخته می‌شد.

یافته‌ها

در این قسمت، توصیفی از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق ارائه شده است: متغیرهایی چون سن، تحصیلات و وضعیت اشتغال پاسخگویان.

از میان مردانی که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، جوان‌ترین آن‌ها ۲۱ ساله و مسن‌ترین آن‌ها ۳۳ ساله بوده است. همچنین میانگین سن افراد مصاحبه‌شونده در حدود ۲۷ سال بوده است. در مورد وضعیت تحصیلی مصاحبه‌شوندگان طبق جدول ۱، ۵۳ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر و ۴۷ درصد نیز دارای تحصیلات دانشگاهی بودند که از این میان، بیشترین میزان فراوانی مربوط به مردان با تحصیلات دیپلم با ۳۵ درصد و بعد از آن، مردان با مدرک لیسانس با ۲۳ درصد از کل پاسخگویان است.

جدول ۱: توزیع فراوانی تحصیلات مصاحبه‌شوندگان

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	تحصیلات
۱۸	۱۸	۶	زیردیپلم
۵۳	۳۵	۱۲	دیپلم
۶۲	۹	۳	فوق دیپلم
۸۵	۲۳	۸	لیسانس
۱۰۰	۱۵	۵	فوق لیسانس و بالاتر
	۱۰۰	۳۴	جمع

جدول ۲ وضعیت اشتغال مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد؛ نزدیک به ۷۰٪ از پاسخگویان، غیرشاغل و یا دارای مشاغل پاره‌وقت بودند که در نتیجه آن، از درآمد شخصی بالایی برخوردار نبودند و تنها حدود ۳۰٪ پاسخگویان دارای شغل تمام‌وقت و لذا دارای درآمد مشخص فردی بودند. از بین پاسخگویان غیرشاغل، ۲۳٪ (۸ نفر) آن‌ها را دانشجویان تشکیل می‌دادند.

جدول ۲: توزیع فراوانی وضعیت اشتغال مصاحبه‌شوندگان

درصد فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	وضعیت اشتغال
۴۱	۴۱	۱۴	غیرشاغل
۶۷	۲۶	۹	شاغل پاره‌وقت
۱۰۰	۳۳	۱۱	شاغل تمام‌وقت
	۱۰۰	۳۴	جمع

تیپولوژی روابط

به طور کلی، سوژه‌ها را بر حسب نوع رابطه‌شان، در سه دسته کلی می‌توان طبقه‌بندی کرد:

روابط صیغه‌ای: این‌گونه روابط در سوژه‌هایی مشاهده شد که پایبندی مذهبی بالاتری داشتند. این افراد معتقد بودند که از نظر شرعی مجاز هستند و می‌توانند تحت شرایط خاصی با زنان غیر شوهردار (اعم از زن بیوه یا مطلقه و نظایر آن) رابطه برقرار نمایند. از این ۳۴ نفر، ۱۰ نفر (۲۹٪) در این دسته قرار داشتند. مشتریان این سوژه‌ها، بیشتر از زنان بیوه و مطلقه و یا روسپیان خیابانی و تلفنی^{۲۷} بودند و هم‌چنین زنانی که سن بالاتری داشته و به هر دلیلی شوهران خود را از دست داده و یا طلاق گرفته‌اند. هدف این افراد از برقراری رابطه با این زنان، صرفاً ارضای میل جنسی بوده است.

روابط آزاد^{۲۸}: این سوژه‌ها برخلاف دسته اول، اعتقادی به جنبه‌های دینی و محدودیت‌های آن در برقراری رابطه‌هایشان نداشتند. مشتریان این افراد بسیار گسترده‌تر از دسته اول بودند. آنان با هر دختر و یا زنی که می‌توانستند او را تطمیع، اقناع و یا مجبور به برقراری رابطه نمایند وارد رابطه جنسی می‌گشتند. آن‌ها غیر از پارک‌ها و خیابان و معرفی دوستان و شبکه روابط اجتماعی، از امکانات مختلفی چون تلفن، چت و اینترنت و نظایر آن نیز برای پیدا کردن افراد مورد نظرشان بهره می‌گرفتند. حس تنوع‌طلبی بالایی در این دسته از سوژه‌ها مشاهده می‌شد. اغلب این افراد، هیچ قید و بندی برای خود قائل نبوده و معمولاً از هر رابطه جدیدی استقبال می‌کردند. هر دو دسته اول (روابط صیغه‌ای و آزاد)، هیچ‌گونه تعهد عاطفی و حتی جنسی نسبت به زنانی که با آنان رابطه برقرار می‌کردند، نداشتند. در هر دو دسته، پرداخت پول و کالا از طرف مرد در قبال «خدمات ارائه شده» توسط زن، امری کاملاً ضروری برای برقراری و تداوم هرگونه رابطه بود. از این ۳۴ نفر، ۱۶ نفر (۴۷ درصد) در این دسته قرار داشتند. مانند دسته اول، هدف این سوژه‌ها از برقراری رابطه با زنان مختلف نیز صرفاً ارضای میل جنسی بوده است. همان‌طوری که در دو دسته اول مشخص است رابطه جنسی پیش از ازدواج الزاماً با «دوستی و معاشرت» دختر و پسر آغاز نمی‌شود. در بسیاری از موارد، سوژه هیچ‌گونه رابطه عاطفی با جنس مخالف برقرار نکرده و یا «آشنایی قبلی» با شریک جنسی‌اش نداشته ولی به برقراری رابطه جنسی با آنان مبادرت نموده است.

روابط شبه هم‌بالینی: مانند دسته دوم، این دسته از سوژه‌ها نیز اعتقاد چندانی به جنبه‌های دینی و محدودیت‌های آن در برقراری رابطه‌هایشان نداشتند ولی در عین حال برخلاف دسته قبلی با هر دختر و یا زنی رابطه برقرار نمی‌کردند. آن‌ها بیشتر به دنبال دخترانی هم‌سن و سال خود و با روحيات مشابه بودند تا بتوانند با آن‌ها علاوه بر رابطه جنسی، رابطه عاطفی نیز برقرار نمایند؛ امری که در دو دسته قبلی وجود نداشت. در این دسته از سوژه‌ها، نیازهای عاطفی هم‌سطح نیازهای جنسی از اهمیت بالایی برخوردار بود. وجه مشترک این سوژه‌ها، جستجوی «عشق رمانتیک»^{۲۹} پیش از

ازدواج» بود. در این دسته، معمولاً رابطه جنسی پس از «آشنایی نسبتاً طولانی» برقرار می‌شد. این سوژه‌ها، بالاترین میانگین تحصیلات را در این سه دسته داشتند. روابط آنان الگویی ناقص از هم‌بالینی در غرب است. با این تفاوت که در کشورهای غربی، دو فردی که روابط هم‌بالینی را ترتیب می‌دهند با یکدیگر «زیر یک سقف» زندگی می‌کنند و اشتراک اقتصادی دارند ولی در ایران به دلیل محدودیت‌های مختلف، معمولاً به‌طور جداگانه زندگی می‌کردند و گاهی رابطه با یکدیگر را تجربه می‌کردند. «قرارهای بیرون» مانند پارک و سینما و نظایر آن، فقط در این دسته یافت می‌شد و در دو دسته قبل اصلاً وجود نداشت. برخلاف دو دسته اول، هدف از برقراری رابطه در این دسته از سوژه‌ها، کسب «لذت برای مرد» و «درآمد برای زن» نبود. در این دسته از روابط بین افراد به جای پول، «هدیه» رد و بدل می‌شد. این هدایا، «دو طرفه» بوده و جنبه اقتصادی و درآمدی برای زنان نداشت که بیشتر برای «تحکیم رابطه» و به عنوان بیان مادی «ابراز محبت» بین طرفین تلقی می‌شد. نسبت به دو دسته قبلی، تنوع طلبی در این دسته از افراد، کم ولی یافت می‌شد با این تفاوت که آن‌ها «در یک زمان» معمولاً فقط با یک دختر رابطه داشته که این رابطه هم شامل جنبه جنسی و هم عاطفی می‌شد و بعد از «به هم خوردن آن رابطه»، به دنبال شخص دیگری می‌گشتند تا بتوانند با دیگری، طرحی نو در اندازند و مسیر گذشته را ادامه دهند. از این ۳۴ نفر، ۸ نفر (۲۳٪) در این دسته قرار داشتند.

تحلیل داده‌ها

در واقع با شناسایی شرایطی که منجر به روابط جنسی پیش از ازدواج می‌شود این امکان فراهم می‌گردد تا بعد از شناسایی وضعیت موجود، به تبیین راهکارهای مناسب برای رسیدن به وضعیت مطلوب در این زمینه دست یابیم. نتایج مصاحبه‌های عمیق، شاخص‌هایی را در این ارتباط پیشنهاد می‌کنند. قطعاً رابطه جنسی پیش از ازدواج اختصاص به طبقات اجتماعی، شرایط خانوادگی و یا قشرهای خاصی ندارد و می‌تواند در هر نوع خانواده‌ای و با هر نوع وضعیت درآمدی و در هر سطح از وضعیت تحصیلی رخ دهد. آن چیزی که در این جا مهم است تفاوت در «الگوهای رابطه» است نه در خود رابطه. به طوری که نتایج این تحقیق نشان داد، در همه طبقات تا حدودی رابطه جنسی پیش از ازدواج وجود دارد ولی در طبقات و اقشار مختلف الگوهای رابطه متفاوت است. هم‌چنین متغیرهایی چون «میزان تحصیلات» نیز در شکل‌گیری (بودن یا نبودن) رابطه تأثیری نداشتند ولی در چگونگی رابطه و اهداف سوژه از برقراری رابطه، مؤثر بودند. بسیاری از افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر به برقراری رابطه با جنس مخالف فراتر از تمایلات جنسی (به همراه رابطه عاطفی) تمایل داشتند.

دلایل و عوامل پیچیده‌ای در مورد ریشه و منشأ و بستر شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج وجود دارد و نمی‌توان آن عوامل را به راحتی شناسایی کرد و یا در طبقه‌بندی ساده‌ای خلاصه نمود. عوامل شناسایی شده حاکی از اهمیت ارتباطات و مناسباتی است که تحت فشارهای زیستی، روانی، اجتماعی و یا اقتصادی نمود و بروز می‌یابند. به‌طور مثال، مردان در طبقات مختلف اجتماعی بنا به دلیل متفاوتی به رابطه جنسی پیش از ازدواج روی می‌آوردند. الگوی رابطه در مردان با درآمد و تحصیلات بالاتر (طبقات متوسط و بالا)، بیشتر در سطح «رابطه جنسی - عاطفی» با یک شخص خاص بود اما در مردان با تحصیلات و درآمد پایین‌تر (طبقات پایین‌تر)، الگوی «رابطه جنسی صرف» با «اشخاص مختلف» غلبه داشت.

دستیابی به یک مدل نظری: «روابط جنسی آنومیک»

مباحثه‌های عمیق در این تحقیق نشان می‌دهند که در بروز و شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج، عوامل مختلفی مؤثرند. اگرچه شناسایی و دسته‌بندی این عوامل از طریق تحقیقات کیفی میسر است؛ تعیین سهم هر یک از عوامل مذکور در تبیین موضوع، مستلزم تحقیقات کمی و کیفی توأمان است که از عهده این تحقیق به تنهایی خارج است. با توجه به شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج می‌توان آن‌ها را در دو دسته عوامل فردی و ساختاری تقسیم‌بندی کرد. این عوامل در سه سطح جامعه‌شناسی خرد، متوسط و کلان قابل تبیین می‌باشند.

در سطح خرد، منزلت‌ها و نقش‌های اجتماعی و تجربیات قبلی سوژه، مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده ساخت اجتماعی واقعیت بودند. در این سطح با شناسایی فاکتورهای فردی و تمرکز بر روی اعمال سوژه‌ها در گروه‌ها می‌توان به عواملی دست یافت که بر روی انتخاب یا عدم انتخاب روابط جنسی پیش از ازدواج و همچنین الگوی این رفتار تأثیر می‌گذارند. برای مثال عواملی چون سن، تحصیلات، درآمد، سابقه مصرف الکل و یا سابقه دیدن فیلم‌های پورنو می‌تواند در رفتار سوژه مؤثر باشد. در سطح متوسط، ارتباط سوژه با خانواده و یا شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی که او در آن قرار دارد، مطرح نظر است. در این‌جا سوال این است که چرا بعضی افراد به سمت روابط جنسی پیش از ازدواج سوق پیدا می‌کنند و بعضی دیگر (حتی با شرایط مشابه) به دنبال این روابط نمی‌روند؟ پاسخ ما به این سوال با توجه به نتایج تحقیق، تفاوت در نحوه اجتماعی شدن است. سوژه‌هایی که در شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی خود، این روابط رواج بیشتری داشت و یا تجربه پیشینی نسبت به ارتباط صمیمی با جنس مخالف داشتند، تمایل بیشتری به این روابط پیدا کرده بودند. در سطح کلان، تأکید بر فرایندهای اجتماعی بزرگتری است که روابط را در سطح خرد تشکیل

می‌دهند. هم‌چنین فشارهای اجتماعی نهادینه شده و اجبارهای فرهنگی و اقتصادی که می‌تواند شرایطی را خلق کند که در آن، روابط جنسی پیش از ازدواج مورد تشویق و یا مورد تکفیر قرار گیرد. در این تحقیق، نویسنده به لحاظ ماهیت روش کیفی، به هیچ وجه قصد ندارد برای تبیین روابط جنسی پیش از ازدواج از مدل واحدی بهره جوید که با توجه به پیچیدگی‌های تبیین در این مورد بر آن است تا مدل علی فرضیه‌ای خود را بر اساس روایت و تجربه زیسته مردانی که این روابط را تجربه کرده‌اند، بنا نماید.

نمودار ۱: مدل علی پیدایش «روابط جنسی آنومیک» در ایران



نیاز یعنی هر نوع احساس «کمبود مَخل» یا «پُربود مَخل» (گاس: ۱۹۹۴). گرسنگی یک نوع کمبود مَخل است و غذا یک نیاز برای رفع آن کمبود. انگیزه جنسی یک نوع پُربود مَخل است و

رفتار جنسی یک نیاز برای رفع آن پُر بود. هیجان‌ات جنسی ناشی از کمبود یک عنصر خاص در بدن نیست بلکه ناشی از پر شدن بعضی از مجراها به وسیله پروتئین‌های خاصی است که انگیزه جنسی را فعال می‌کنند. نیاز جنسی، جزء نیازهای اساسی است (مازلو، ۱۹۷۰). نیازهای اساسی، منشأ زیستی دارند و در همه انسان‌ها، در همه دوران‌ها و در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. در این بین، تمامی سوژه‌های مصاحبه شده، احساس نیاز درونی و عدم توانایی در ارضای مقبول و فرهنگی آن را یکی از عوامل اصلی ترغیب به سوی روابط پیش از ازدواج عنوان می‌کردند.

محمود- ۲۳ ساله، شاغل پاره‌وقت و دیپلم می‌گوید: بالاخره اینو باید در نظر گرفت که سن ازدواج تو جامعه بالا رفته (درک مسئله اجتماعی از طرف سوژه) و جوونا این نیاز رو دارن. به نظر من این یه نیازه (احساس نیاز) اما ما به خاطر، هم دینمون و هم جامعه‌مون یه جورایی خیلی محدودتریم خوب برای این که ما رو همیشه محدود کردن (احساس محدودیت اجتماعی در رفع نیاز) الان وضعیت این طوری شده.

راز آلوده شدن بدن

یکی از نتایج فرهنگی فاصله‌گیری جنسیتی در قبل از ازدواج، «احساس عدم آگاهی» کافی زوجین از یکدیگر است. با این پیش‌فرض که دو جنس بعد از مدتی قرار است زندگی مشترک را (از طریق ازدواج) تشکیل دهند لذا دغدغه شناخت، به یکی از دغدغه‌های اصلی برای کشف ناشناخته‌های مهم برای آینده فرد تلقی می‌شود که او را به سمت روابط پیش از ازدواج سوق می‌دهد. با این حال سوژه، احساس عدم آگاهی کافی خود را بیشتر ناشی از شرایط ساختاری بسته در خانواده و جامعه تفسیر می‌کند. از سوی دیگر، احساسی که سوژه از «فراوانی» این روابط در جامعه دارد بر انگیزه‌های او در شکل‌دهی رفتارش مؤثر است.

سعید- ۲۷ ساله، شاغل و لیسانس می‌گوید: اگه از اول آزادی بود، آن قدر دختر برای پسر یه چیز عجیب و دور نبود (راز آلود بودن بدن زنانه) و به این شدتی که الان هست نمی‌شد (احساس «فراگیری» روابط جنسی پیش از ازدواج در جامعه از سوی سوژه). به نظرم باید از ریشه درست بشه که فکر نمی‌کنم بشه یعنی وضعیت در آینده هم همین، نه جامعه اجازه می‌ده و نه خانواده‌ها (ناامیدی فرهنگی). ممکنه یه کم خانواده‌ها بازتر فکر کنن که این رابطه‌ها هست ولی قطعاً در این حد نمی‌تونن «آزاد» فکر کنن (فاصله‌گیری ارزشی سوژه از خانواده).

در ازدواج‌های ایرانی، «سازگاری جنسی» امری اتفاقی است و طبق آمارها، بسیاری از طلاق‌ها نیز

بر اساس مشکلات جنسی رخ می‌دهد (فروتن و میلانی، ۱۳۸۷؛ امیریان‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴؛ غدیری و فروتن، ۱۳۸۷). بنابراین بسیاری از سوژه‌ها یکی از دلایلی را که برای برقراری رابطه بیان می‌کردند جستجو برای شناخت بیشتر و نزدیک از بدن و رفتار زنانه در حوزه کنش‌های بسیار خصوصی عنوان می‌کردند. سوژه آگاه شده نسبت به مسائل آتی خانواده برساخته خود، به دنبال فرار فرهنگی از این مسائل به شیوه خود است.

امیر - ۲۵ ساله، غیرشاغل و لیسانس می‌گوید: چون تو جامعه ما اطلاعات از جنس مخالف خیلی کمه (احساس عدم آگاهی) و ما اصلاً نمی‌دونیم در آینده و بعد از ازدواج چه اتفاقی قراره بیفته (ترس از آینده) پس مجبوری که قبل از ازدواج بری رابطه برقرار کنی بعد توی اون رابطه، زن‌ها رو بهتر بشناسی (شیوه‌های جدید شناسایی) تا بفهمی که در آینده با چه موجوداتی می‌خوای زندگی کنی (شناخت بیشتر).

در برخی موارد، شکل‌گیری این روابط که ابتدا با هدف «رفع نیاز» و یا «کسب تجربه» برقرار می‌شدند ولی بعد از مدتی ابعاد دیگری به خود گرفته و سوژه وارد نوع وسیع‌تری از این روابط شده است.

محمد - ۲۹ ساله، شاغل و زیر دیپلم می‌گوید: الان همه دنبال طغیان کردن هستند. همه پسرا فکر می‌کنن که رابطه جنسی چیه (راز آلود بودن) همشون می‌خوان بیان حداقل بابت تجربه هم که شده یه بار پیش از ازدواج وارد این رابطه‌ها بشن (حس کنجکاوی و تجربه) بعد هم خیلی‌هاشون که میان، گرفتار میشن و دیگه نمی‌تونن برن بیرون (شکل‌گیری اعتیاد جنسی). من بعضی از رفیق‌امو می‌شناسم اول می‌خواستن فقط تجربه کنن که اومدن تو این فضاها ولی به مرور رفتن سراغ تجربه‌های جدیدتر و الانم که کلاً کارشون به تنوع‌طلبی محض کشیده (هرج و مرج جنسی).

عدم اطلاع و نفوذ خانواده / گروه‌های دوستی

بسیاری از سوژه‌ها، کیفیت و کمیت روابط خود را از والدین و اعضای دیگر خانواده پنهان می‌کردند. آن‌ها نه تنها خانواده را محرم اسرار جنسی خود تصور نمی‌کردند بلکه با فاصله ارزشی بالایی که بین خود و آن‌ها احساس می‌کردند خانواده را به عنوان یک عامل اجتماعی محدودکننده بدون توجه به درک نیازهای خود تصور می‌نمودند. پنهان‌کاری از خانواده باعث کاهش اطلاع و سپس نفوذ خانواده بر رفتارهای جنسی فرزندان شده و این در حالی است که شبکه روابط اجتماعی سوژه و گروه‌های دوستی و همالان او، نقشی به‌سزا در شکل‌گیری و تداوم این روابط بازی می‌کنند.

مجید - ۲۳ ساله، شاغل و دیپلم می‌گوید: بعضی از رفیق‌ام که خودشونم تو این رابطه‌ها هستن می‌دونن، اصلاً خیلی از این رابطه‌ها رو اونا برام جور کردند (نقش گروه‌های دوستی و همالان) بعضی‌ها رو هم خودم تو چت و اینترنت بدست آوردم (نقش تکنولوژی‌های ارتباطی نوین) ولی

خانواده‌ام نمی‌دونن من این کارا رو می‌کنم و اصلاً لزومی هم نداره که بدونن اونا ... شاید فکر کنن که من با دختری دوستم اما فکر نمی‌کنم که دیگه این مسایل رو بدونن یعنی من نمی‌خوام متوجه بشن (پنهان کاری). اگه مادرم یا حتی پدرم بفهمن فکر می‌کنن بچه‌شون فاسد و خراب شده و خیلی ناراحت میشن، همون نفهمن بهتره چون اونا اصلاً منو درک نمی‌کنن و فقط با فهمیدن این چیزا، خودشون اذیت میشن و منم اذیت میشم (فاصله ارزشی با والدین، شکاف نسلی)

افزایش تحصیلات، تداوم بیکاری و افزایش سن ازدواج

در ایران، افزایش طول مدت تحصیلات به تدریج منجر به افزایش سن شروع فعالیت اقتصادی شده که خود موجب کاهش استقلال اقتصادی و عدم انگیزه برای تشکیل خانواده و لذا افزایش سن ازدواج در جامعه شده است. از سوی دیگر، عدم حمایت‌های کافی بیرونی احساس شده از سوی سوژه‌ها سبب شده که بسیاری از آن‌ها ازدواج را در سنین پایین یک «ریسک بزرگ» برای خود تلقی کرده و به دنبال راه‌های جایگزین و کم‌هزینه‌تر برای تأمین نیازهای خود در سنین پایین‌تر باشند.

محمود - ۲۸ ساله، شاغل پاره‌وقت و فوق لیسانس می‌گوید: بالاخره آدم یه نیازهایی داره و نمی‌تونی سر ۲۰ سالگی ازدواج کنی، هیچیت آماده نیست ازدواج هم بکنی بدبخت میشی (احساس ریسک بالا) تحمل‌ام که همیشه کرد مجبوری بیای تو این فضاها دیگه (اضطرار در انتخاب).

نیما - ۲۵ ساله، غیرشاغل و فوق لیسانس می‌گوید: من از ۱۳، ۱۴ سالگی این نیاز رو در خودم احساس می‌کردم. الان ۲۵ سالمه و دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشدم فعلاً که نتونستم کار ثابتی پیدا کنم (سرمایه اقتصادی پایین) و به همین خاطر هم تا الان نتونستم ازدواج بکنم. شرایط آن‌قدر سخت شده که دیگه به این راحتی نمیشه ازدواج کرد (احساس ناامیدی از آینده) ... برای ازدواج باید همون اول یه تعهدات سنگینی بدی که یه جوون با این شرایط به راحتی نمی‌تونه از پُرسش بر بیاد (احساس اجحاف) فرهنگ و قوانین ایران هم بشدت سخت‌گیرانه است و کسی اصلاً این چیزا رو درک نمی‌کنه (احساس عدم حمایت).

فشار فرهنگی، آنومی، پیدایش ارزش‌های جدید

رابرت مرتون به مسئله ساخت هنجاری جامعه و تأکید بر آرزوها و امیالی که ارزش‌های جامعه آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند، تأکید داشت و نظریه فشار^۳ خود را در این راستا ارائه نمود. مرتون، نخستین هدف خود را کشف این نکته می‌دانست که «برخی ساختارهای اجتماعی، چگونه فشار معینی را به بعضی از افراد جامعه وارد می‌آورند که این افراد به جای همنوایی، ناهمنوا

می‌شوند» (مرتون، ۱۹۵۷: ۱۲۶). او ریشه ناهمنوایی اجتماعی را در شکاف میان دو عنصر اساسی در ساختار فرهنگی می‌داند. مرتون در این راستا به تمایز بین «اهداف فرهنگی^{۳۱}» و «راه‌های مشروع رسیدن به این اهداف^{۳۲}» توجه کرده بود. او بیش از هر چیز، به هم خوردن رابطه بین اهداف از یک طرف و وسایل مشروع دستیابی به این اهداف را از طرف دیگر مورد توجه قرار می‌دهد که عدم تناسب آن‌ها سبب ایجاد آنومی^{۳۳} می‌شود. از نظر مرتون، عدم تطابق بین اهداف و ابزار، زمانی ظاهر می‌شود که در جامعه «تأکیدی ناموزون» بر یکی از آن‌ها پدید آید (همان، ۱۶۶). به طور مثال آنومی زمانی پدید می‌آید که در جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده بیشتر از اشتغال و سایر مقدمات شکل‌دهی ازدواج تأکید شود. مقدمه پیدایش آنومی، احساس محرومیت است. احساس محرومیت، اختلافی است منفی میان واقعیت و انتظارات مشروع. به عبارت دیگر، احساس محرومیت نسبی به صورت احساس کنشگران بر وجود اختلاف میان «انتظارات ارزشی^{۳۴}» خود و «توانایی‌های ارزشی^{۳۵}» محیط مشخص می‌شود (گر، ۱۹۷۰: ۱۳). مبنای انتظارات، صرف‌نظر از این که مبنای اقتصادی یا اجتماعی باشد «احساس استحقاق» است. در این تحقیق، بسیاری از سوژه‌ها احساس می‌کردند که این حق‌شان بوده که در سنین پایین، ازدواج کنند و از شرایط بهتری در جهت تأمین نیازها برخوردار باشند ولی زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مختلف، محدودیت‌های فراوانی را برای آن‌ها ایجاد کرده است. احساس محرومیت موجب بروز نارضایتی در افراد می‌گردد و این نارضایتی خود تبدیل به محرکی کلی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت حتی به «شیوه‌های جدید» می‌شود. احساس محرومیت به «نحوه اجتماعی شدن» هم ارتباط دارد. دو نفر در یک طبقه، با یک وضعیت اقتصادی و یا حتی دو نفر در یک خانواده ولی با دو نوع تربیت می‌توانند دوگونه واکنش نسبت به ارزش‌های جامعه از خود بروز دهند. ممکن است یکی احساس محرومیت شدید کند و دیگری حتی چندان اهمیتی هم برای آن قائل نباشد و محرومیتی را احساس نکند. فشار فرهنگی منجر به احساس محرومیت و این احساس، زمینه شکل‌گیری آنومی و پیدایش ارزش‌های جدید و سپس نوآوری فرهنگی در بین سوژه‌ها را پدید می‌آورد.

میثم - ۲۳ ساله، غیرشاغل و فوق دیپلم می‌گوید: به هر حال ما تو کشوری داریم زندگی می‌کنیم که خیلی سنت‌های عجیب و غریبی توش وجود داره که ماها رو بدجوری داره اذیت میکنه (احساس فشار فرهنگی) در حالی که اصلاً لزومی نداره این‌جوری باشه یا حداقل اگر هم هست یه راه‌های جایگزین و راحت برای برآورده کردنش باید از طرق دیگه باشه که مردم به سختی نیفتن (عدم احساس پیوند با ارزش‌های فرهنگی رایج). تو کشور ما ازدواج کردن تو سن کم مخصوصاً واسه پسرا دیگه خیلی سخت شده اکثر اونا تو اون سن دوست دارن ازدواج کنن ولی نمی‌تونن (فاصله بین انتظارات ارزشی و امکانات ارزشی = احساس محرومیت).

محسن - ۲۶ ساله، شاغل و لیسانس می‌گوید: تو شرکت ما مرد مجرد نزدیک ۴۰ سال هم هست. البته خیلی‌هاشون الان دیگه می‌تونن ازدواج کنن (سرمایه اقتصادی تأخیری) ولی میگن چون از سن مناسبون گذشته انگار دیگه حال و حوصله یا اون طراوت لازم واسه شروع یه ازدواج و از خود گذشتگی‌ها و تعهدهای این چینی رو ندارن چون به هر حال هر چیزی سن مناسب خودشو می‌طلبه (احساس سرخوردگی) پس خیلی تمایلی‌ام از اونور ندارن که ازدواج کنن، نیازهای جنسیشونم که راحت می‌تونن از راه‌های دیگه ارضا کنن (پیدایش راه‌های جدید ارضای نیاز) ولی همینا تعریف که می‌کنن از زمان جوونیشون، همشون میگن که دوست داشتیم ازدواج کنیم ولی شرایطش اون موقع نبود. حالا شما فرض کن با این شرایط بد اقتصادی چه جوری یه نفر تا ۴۰ سالگی خودشو نگه داره؟ اصلاً ۴۰ سالگی هیچی تا ۳۰ سالگی تا ۲۵ سالگی؟ (عدم احساس تطابق ارزش‌های فرهنگی رایج با شیوه‌های هنجاری رفع نیاز).

مسعود - ۳۱ ساله، شاغل و زیردیپلم می‌گوید: فکر کن یه پسر، دیگه از سن حدود ۱۵، ۱۶ سالگی به بلوغ می‌رسه. من الان ۳۱ سالمه و حدوداً ۱۵ ساله که از بلوغ من گذشته (ساخت‌دهی به زمان)، آخه یه کسی مثل من مگه تا کی می‌تونه خودشو نگه داره؟ (احساس بی‌گناهی از برقراری رابطه) پس نمیشه همین‌طور بگیریم این جور رابطه‌هایی که شکل گرفته، کار درستی نیست اما شرایط جایگزینی و اسش تعریف نکنیم (گرایش به نوآوری فرهنگی) یا ازدواج رو تسهیل نکنیم.

مهدی - ۲۴ ساله، غیرشاغل و لیسانس می‌گوید: شرایط جامعه و محدودیت‌های اون خیلی آدمو اذیت می‌کنه (فشار فرهنگی) راه چاره‌ای نیست مگه این که یه تحول اساسی تو فرهنگمون، شیوه زندگیمون و اخلاقیاتمون ایجاد کنیم تا این مشکل حل بشه که اونم بعید می‌دونم و نمی‌دونم چه جوری باید ایجاد بشه (نامیدی فرهنگی) ... آخه من میگم آدم چرا اصلاً باید آنقدر خودشو تو سختی بندازه؟ (تردید نسبت به ارزش‌های فرهنگی حاکم در جامعه) ۲ روز می‌خوایم تو این دنیا زندگی کنیم همش‌ام اگه بخواد به سرکوب نیازهامون بگذره که همیشه (شکل‌گیری ارزش‌های جدید فرهنگی، آنومی)

از هرج و مرج جنسی تا عشق رمانتیک پیش از ازدواج

در بسیاری از سوژه‌های دو دسته اول (روابط صیغه‌ای و روابط آزاد) به دلیل رابطه آن‌ها با روسپیان، تمایلات عاطفی در روابط آن‌ها چندان مشاهده نمی‌شد و از طرف دیگر، تمایل به رابطه صرف جنسی در آن‌ها به تدریج به مواردی از تنوع‌طلبی شدید و تجربه بدن‌های تازه کشیده شده بود.

بهر روز - ۲۷ ساله، شاغل و دیپلم می‌گوید: کار من به جایی رسیده که دیگه جنبه‌های عاطفی برام اصلاً مهم نیست، اصلاً این چیزها برام بی‌معنی (جستجوی نیاز جنسی صرف) وقتی شما در یک ماه با چند نفر مختلف رابطه داری (تنوع‌طلبی، هرج و مرج جنسی) دیگه عاطفه‌ای این وسط نمی‌مونه و فقط به لذت خودت فکر می‌کنی. من رابطه عاطفی رو گذاشتم فقط برای بعد از ازدواج و با همسر آیندم (تمایل به ازدواج در آینده و ارضای نیاز عاطفی در آن)

اما از سوی دیگر در بسیاری از سوژه‌های دسته سوم (روابط شبه هم‌بالینی)، تمایل به ارتباط عاطفی در کنار ارتباط جنسی به عنوان یک «ضرورت در رابطه» پنداشته می‌شد. در این دسته و در برخی از موارد، این سوژه‌ها ارتباط خود را به «ازدواج غیررسمی» پیش از ازدواج رسمی تشبیه می‌کردند چرا که رابطه برای آن‌ها، فراتر از یک نیاز جنسی صرف تعریف شده بود.

سینا - ۲۵ ساله، غیرشاغل و فوق‌لیسانس می‌گوید: خوب تو این رابطه‌ای که من دارم نیرویی هست که آدم رو بعدش آرام می‌کنه. مخصوصاً آگه با اون کسی که خیلی «دوستش» داری رابطه داشته باشی (جستجوی عشق رمانتیک پیش از ازدواج) این رابطه هم از لحاظ روحی روانی آدمو آرام می‌کنه (منع آرامش) و هم بالاخره به نیاز جسمیت هم تو این رابطه برآورده میشه (منبع لذت) اصلاً این‌که کنارش باشی به حس آرامش بهت می‌ده (حمایت عاطفی) و بعد از اون می‌تونی با احساس خوبی که بهت می‌ده زندگی کنی و به کارات برسی. این‌طوری انگار ازدواج کردی (احساس جایگزینی رابطه به جای ازدواج) چون همه نیازها تو یک رابطه تأمین میشه (جستجوی انواع نیازها- عاطفی، جنسی- در یک رابطه) و اصلاً دیگه چندان به زن و ازدواج و این جور چیزها فکر نمی‌کنی و می‌تونی بی‌دغدغه به کارای دیگهات برسی.

بحث

پژوهش حاضر به دنبال کشف عوامل اجتماعی غالب، در بروز و شکل‌گیری روابط جنسی پیش از ازدواج در جامعه بوده است. برای دستیابی به آن، به دنبال معنای ذهنی کنش سوژه‌هایی بودیم که روابط جنسی پیش از ازدواج را تجربه کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که مواردی چون احساس نیاز، حس کنجکاوی و کسب تجربه، گروه‌های دوستی سوژه و شبکه روابط اجتماعی او، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش تکنولوژی‌های ارتباطی نوین و پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در جامعه، از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط در جامعه بوده‌اند.

اما در قسمت‌های بالا گفته شد که نیاز یعنی هر نوع احساس کمبود مُخِل یا پُربود مخِل (گاس: ۱۹۹۴). گرسنگی یک نوع کمبود مخِل است و غذا یک نیاز برای رفع آن کمبود. انگیزه جنسی یک نوع پُربود مخِل است و رفتار جنسی یک نیاز برای رفع آن پُربود. هیجان‌ات جنسی ناشی از کمبود

یک عنصر خاص در بدن نیست، که ناشی از پر شدن بعضی از مجراها به‌وسیله پروتئین‌های خاصی است که انگیزه جنسی را فعال می‌کنند. اما نیازها دارای سلسله مراتب‌اند: نیازهای پایین و دون تا نیازهای عالی. یعنی برای انسان‌ها ابتدا نیازهای فیزیولوژیک و جسمی (= نیاز پایین) مهمند و سپس نیازهای عالی. نیاز جنسی جزء نیازهای فیزیولوژیک و اساسی است. نیازهای عالی دارای پیش شرط‌های بیشتری است. قبل از آن که نیاز عالی بتواند ارضاء شود، نیازهای پست‌تر باید ارضاء گردند. هنگامی که ارضای نیازها آغاز می‌شود، تغییری که در انگیزش فرد رخ خواهد داد بدین‌گونه است که بعد از ارضای نسبی نیازهای مرحله قبل، سطح دیگری از نیازها، اهمیت یافته و محرک رفتار خواهند شد. نیازها به همین ترتیب تا پایان سلسله مراتب نیازها اوج گرفته و پس از ارضاء، فروکش کرده و نوبت را به دیگری می‌دهند (مازلو، ۱۹۷۰؛ ۳۹-۴۶). نیاز به آب و غذا و نیاز جنسی جزء نیازهای جسمی قلمداد می‌شوند. بعد از ارضای نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی برای فرد مطرح می‌شود و بعد از آن نیاز به محبت و عشق و عاطفه و بعد احترام و الی آخر. نیازهای پست و پایین‌تر، بسیار محسوس‌تر، مشخص‌تر و محدودتر از نیازهای عالی هستند. میل جنسی آشکارتر از محبت، جنبه کالبدی دارد. همین‌طور محبت نیز در مقایسه با احترام به نوبه خود چنین است. نیازهای عالی یک تحول یا تکامل متأخر نوعی است. ما در نیاز به غذا با همه موجودات زنده مشترکیم و در نیاز به محبت با میمونهای عالی مشابه‌ایم. اما در نیاز به خودشکوفایی با هیچ موجود دیگری وجه اشتراک نداریم. نکته مهم این است که هدف از هرگونه روابط اجتماعی، برطرف کردن همین نیازهاست. نیازهای اساسی، منشأ زیستی دارند و در همه انسان‌ها در همه دوران‌ها و در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شوند. نیازها، انگیزه تولید می‌کنند و انگیزه هم رفتار و روابط اجتماعی را بازتولید می‌کند. اما پدیده دیگری نیز روابط اجتماعی را جهت می‌دهد و آن «فرهنگ»^{۳۶} است. فرهنگ با نیاز در ارتباط است. فرهنگ یعنی شیوه زندگی در یک جامعه خاص (گیدنز، ۱۳۷۷؛ ۵۶). به عبارتی، فرهنگ، سبک زندگی^{۳۷} افراد در یک جامعه خاص است. نیازهای زیستی، طبیعی و غریزی‌اند ولی فرهنگ، غیرطبیعی و ساخته دست انسان است. فرهنگ، نتیجه زندگی طولانی تاریخی است. حیوانات به فرمان‌گریزه زندگی می‌کنند. ولی انسان‌ها به فرمان فرهنگ زندگی می‌کنند. در مقیاس تکاملی انواع، هرچه به سمت بالاتر می‌رویم روند ناپدید شدن گرایش بیشتر می‌شود به طوری که به تعبیر گیدنز می‌توان گفت گریزه به عنوان «رفتار پیچیده یادگیری نشده» تقریباً در انسان وجود ندارد (همان، ۸۲). در حالی که گریزه، شیوه رفع نیاز در بین حیوانات است فرهنگ، شیوه رفع نیاز در بین انسان‌ها است. این همان ارتباط بین فرهنگ و نیاز است. رابطه جنسی یک نیاز است و ازدواج، راه فرهنگی رفع آن نیاز. رفتار انسان، غریزی نیست بلکه فرهنگی است. فرهنگ همیشه ناظر بر رفتار ما است. نیازهای انسانی از

ابتدای ادراک شدن تا لحظه ارضاء شدن تحت تأثیر و کنترل فرهنگ‌اند. فرهنگ، محدودکننده نیازها است. این که سطح ارضای نیازها چقدر باشد را فرهنگ تعیین می‌کند. فرهنگ اجازه نمی‌دهد که به محض ادراک نیاز، با هر کسی و در هر زمانی رابطه برقرار شود. اما فرهنگ باید متناسب با طبیعت انسانی یا همان نیاز باشد. فرهنگ باید راهکاری مناسب برای رفع نیاز ارائه دهد. فرهنگ باید تأمین کننده نیازها باشد نه بازدارنده آن. نباید فراموش کرد که فرهنگ نه تنها به خاطر نیازهای بشری که به واسطه همین نیازها آفریده شده است. فرهنگ نیامده که مسئله ایجاد کند بلکه آمده تا مسائل را حل کند و اگر نتواند این کار را انجام دهد خود به مسئله تبدیل می‌شود. در این موارد، فرهنگ، خود مانع ارضای نیاز می‌گردد. در نزاع بین «طبیعت» و «فرهنگ»، معمولاً این فرهنگ است که شکست می‌خورد. اگر فرهنگی نتواند راهکاری مناسب برای ارضای متناسب نیازها ارائه دهد، طرفدارانش را از دست خواهد داد. اگر «انتظارات» فرهنگ از شخص، بالا باشد فرهنگ دوام نمی‌آورد. فرهنگی که بر مجرد طولانی یا دائمی تأکید کند حامیانش کاهش پیدا خواهند کرد؛ چون نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جنسی و عاطفی آن‌ها باشد. اگر فرهنگی نتواند فاصله بین «بلوغ جنسی» و «ارضای جنسی» را کنترل و کاهش دهد پیروانش تقلیل خواهند یافت. یکی از کارهایی که فرهنگ می‌کند این است که نیازها را محدود می‌کند و راه ارضای آن را نیز نشان می‌دهد و اگر نتواند این کار را انجام دهد فرد را دچار آنومی می‌کند. آنومی یعنی انسداد فرهنگی بین هدف و راه‌های مشروع رسیدن به آن هدف (مرتون، ۱۹۵۷؛ ۱۷۸). اگر راه‌های فرهنگی و مشروع ارضای نیازها برای همه فراهم نباشد کسانی که به طور قانونی نتوانند آن نیازها را برطرف کنند راه‌های جدیدی را برای رسیدن به اهدافشان انتخاب می‌کنند. در این مرحله فرد آنومیک، به دنبال راه‌های فرهنگی جدید برای رسیدن به اهداف خود می‌گردد. وقتی راه‌های فرهنگی موجود نتوانند نیازها را به خوبی ارضاء نمایند به مرور جای خود را به سبک‌های جدید ارضای نیاز می‌دهند که بهتر می‌توانند نیازهای مخاطبانشان را برطرف کنند. وقتی جامعه بنا به دلایل فرهنگی و اقتصادی نتواند راه‌حل‌های مناسبی برای کنترل و کاهش سن ازدواج جوانان ارائه دهد افراد به دنبال شیوه‌های جدید ارضای نیازهای خود در جامعه می‌روند. منظور از نیاز در این‌جا، انواع نیازها و نیاز به معنای اعم آن است. ارضای این نیازها در یک رابطه، هم می‌تواند شکل ارضای نیاز جنسی داشته باشد و هم نیاز عاطفی و هم نیاز محترم شمردن و محترم شمرده شدن و... . گسترش شیوه‌های جدید ارضای نیاز منجر به شکل‌گیری سبک‌های جدید زندگی منطبق با ارزش‌های جدید شکل گرفته در جامعه می‌گردد. سبک زندگی را می‌توان الگوهایی از کنش دانست که تمییزدهنده افراد (چانی، ۱۹۹۶؛ ۴) و گروه‌های اجتماعی از یکدیگر است. سبک زندگی، بیان‌کننده نگرش‌ها و ارزش‌های یک فرد یا گروه اجتماعی است. ارزش‌ها، مهم‌ترین مؤلفه سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. سبک زندگی یک فرد بیانگر ارزش‌های اوست (جانسون و میگل، ۲۰۰۱: ۷۱). سبک‌های جدید روابط زناشویی در جامعه می‌توانند حالت‌هایی چون روابط آزاد

جنسی بین ۲ یا چند نفر، هم‌بالینی و نظایر آن را به خود بگیرند. هر چقدر فرهنگ موجود در ارضای نیازهای پیروانش ناتوان‌تر باشد، سبک‌های جدید زندگی یا همان «راه‌حل‌های جدید فرهنگی» برای ارضای نیاز، طرفداران بیشتری خواهند یافت تا جایی که حتی می‌توانند با گذشت زمان جای راه‌های فرهنگی موجود را بگیرند. هرگاه یک نهاد فرهنگی، کارکردهای خودش را تا حدودی از دست بدهد جایگزین آن نهاد از دل همان نهاد سر بر می‌آورد. روابط جنسی پیش از ازدواج هم از دل همین ازدواج‌های مشکل سر برآورده‌اند. بنابراین اساس است که از نگاه سوژه‌ها، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، پیشتر از آن که یک انحراف تلقی شود، انطباق با شرایط موجود محسوب می‌شود. فشار جسمی، روانی و اجتماعی ناشی از افزایش سن ازدواج، سوژه را مجبور به انتخاب راه‌حل‌های جدید فرهنگی برای ارضای نیازهایشان نموده است.

اما از طرفی، هدف سوژه‌های مختلف از برقراری یک رابطه، برآوردن تمام نیازهای ممکن در آن رابطه است. اعم از نیازهای جنسی و عاطفی، دوست داشتن و دوست داشته‌شدن، نیاز به احترام و نظایر آن. نباید فراموش کرد که میل جنسی، بُعد عاطفی هم دارد. میل جنسی مانند تشنگی و گرسنگی نیست. میل جنسی صرفاً یک سوزش التهاب‌آور نیست که ارضای آن نیز از بین رفتن آن سوزش باشد. چه، اگر این‌گونه بود، «خودارضایی» ارزانترین راه سیراب‌کردن تمایلات جنسی تلقی می‌شد و کسی به سراغ ازدواج نمی‌رفت. بنابراین بخش مهمی از تمایلات جنسی، با تمایلات عاطفی به یک شخص خاص در هم آمیخته‌اند. اما وقتی سوژه نمی‌تواند جمیع نیازهای ممکن در یک رابطه (یعنی هم نیازهای پایین و هم نیازهای عالی‌تر) را برآورد به سمت ارضای نیازهای پایین‌تر و پست‌تر حرکت و به ارضای همان‌ها اکتفا می‌کند. چرا که، محرومیت از نیازهای عالی به اندازه محرومیت از نیازهای پست، موجب واکنش دفاعی و اضطرابی او نمی‌شد. این یک بحث فیزیولوژیکی است. احترام، محبت و عشق زمانی که با غذا، ایمنی و نیاز جنسی صرف مقایسه می‌شوند نوعی تجمل غیرضروری به شمار می‌آیند (مازلو، ۱۹۷۰: ۲۱۶). نیازهای عالی از نظر ذهنی کمتر اضطرابی‌اند اما در عین حال ارضای آن‌ها نتایج ذهنی مطلوب‌تری به بار می‌آورند که شادی عمیق‌تر و آرامش، بخشی از آن است.

اگر نیازهای فیزیولوژیک به خوبی ارضاء شوند آن‌گاه نیازهای عاطفی (نیاز به عشق، محبت و تعلق) پدیدار خواهند شد. در این وضعیت شخص، برخلاف گذشته به شدت فقدان معشوق یا همسر را احساس خواهد کرد. این همان سلسله مراتب ارضای نیازهاست. او در این مرحله، تشنه روابط عاطفی می‌شود. به تعبیر مازلو، «او ممکن است فراموش کند که روزگاری در هنگام گرسنگی، عشق را به این عنوان که غیرواقعی یا غیرضروری می‌پنداشته به تمسخر گرفته است حالا او به شدت درد

تنهایی را احساس می‌کند» (همان، ۲۱۹). در این حالت، فرد یا ازدواج را انتخاب می‌کند و یا اگر نتواند، هم‌بالینی پیش از ازدواج و یا شبیه آن را و کمتر به سراغ روسپیگری می‌رود. به طور کلی، زندگی در سطح نیازهای عالی، پیچیده‌تر است و تبیین آن مشکل‌تر. آن‌هایی که در هر دوی نیازهای عالی و پست رضایتمندی حاصل کرده‌اند معمولاً برای نیازهای عالی بیش از نیازهای پست ارزش قائلند. اینان با آمادگی بیشتری قادرند محرومیت از نیازهای پست را تحمل کنند. برای مثال در این تحقیق، افرادی که هر دو دسته از این نیازها را شناخته بودند (دسته سوم)، عزت نفس^{۳۸} را تجربه ذهنی والاتری از ارتباط جنسی با یک روسپی می‌دانستند. پیگیری و ارضای نیازهای عالی، پیامدهای مدنی و اجتماعی مطلوبی نیز دارد. هر چه نیاز والاتر باشد کمتر خودخواهانه است. گرسنگی و رابطه جنسی صرف، کاملاً خودخواهانه است. تنها طریق ارضای آن، ارضای خود شخص است. اما جستجو برای محبت و احترام، الزاماً پای افراد دیگر را به میان می‌آورد. در این‌جا، ارضای افراد دیگر هم مطرح می‌شود. کسانی که به حد کافی از رضایتمندی جنسی برخوردار هستند به جای جستجو برای تأمین نیاز جنسی صرف به دنبال محبت و احترام می‌باشند.

در مورد بسیاری از مردان، اگر مردی مجرد باشد و یا نتواند با شریک دائم جنسی‌اش، رابطه عاطفی مناسبی برقرار کند به سمت برقراری رابطه جنسی صرف و ارضای نیازهای پست (ارضای پایین‌ترین و اولین مرحله از نیاز) حرکت می‌کند که در نتیجه آن به دلیل «عدم تعلق عاطفی» به یک شخص خاص، به «تنوع‌طلبی جنسی» کشیده می‌شود. در حالی که در این تحقیق در افرادی که روابط شبه هم‌بالینی را تجربه کرده و توانسته بودند پیوندهای عاطفی و صمیمی با شریکان خود برقرار کنند تنوع‌طلبی جنسی در آنان کمتر دیده می‌شد. کسی که نمی‌تواند عشق بورزد به هرج و مرج جنسی کشیده می‌شود. کیفیت جنسی افرادی که در هرج و مرج جنسی غرق می‌شوند ضعیف است. آنان سعی می‌کنند «فقدان کیفیت» را با «افزایش کمیت» جبران کنند. وقتی رابطه جنسی یک فرد از کیفیت لازم برخوردار نباشد آن‌ها به سمت کمیت و تنوع‌طلبی سوق پیدا می‌کنند.

در سوژه‌های دسته سوم (روابط شبه هم‌بالینی)، روابط جنسی در جهت ارضای نیازهای عالی‌تر حرکت می‌کرد و روابط بین آنان به سمتی می‌رفت که هم نیاز جنسی را برطرف کند و هم نیازهای عاطفی و نیازهای عالی‌تر دیگر را. اما در دو دسته اول (روابط صیغه‌ای و روابط آزاد) که رابطه عاطفی، محدودتر است و یا اصلاً وجود ندارد، سوژه‌ها به سمت ارضای نیاز جنسی صرف و در مرحله پستش آن هم با فواحش روی آورده بودند. اینان به روابط پست، تن می‌دهند به این دلیل که امکان برقراری روابط عالی‌تر با ارضای نیازهای بالاتر برایشان میسر نیست. به همین خاطر است که در این تحقیق، تمام پاسخگویانی که روابط جنسی صرف با روسپیان داشتند همگی «قصد ازدواج در آینده» را در سر می‌پروراندند زیرا نیازهای عالی‌تر آن‌ها در روابطشان با زنان و روسپیان مختلف ارضاء نشده

بود و این خلاء را در خود احساس می‌کردند و دنبال رفع آن با ازدواج بودند، در حالی که افرادی که رابطه جنسی را همراه با رابطه عاطفی با شریکشان تجربه می‌کردند (دسته سوم) چندان میلی برای ازدواج در آینده در آن‌ها مشاهده نمی‌شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از «رابطه جنسی پیش از ازدواج» در این تحقیق، رابطه با جنس مخالف است و نه خودارضایی یا همجنس‌گرایی و یا حالت‌های دیگر.
۲. عباس صداقت، رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت. ۸۹/۹/۲۷ سایت خبری www.aftab.ir
۳. در این جا منظور از ارزش‌های مرتبط با خانواده، ارزش‌های مربوط به ازدواج و همسرگزینی به عنوان راه‌های مشروع ارضای نیاز جنسی در جامعه است.

4. Hierarchy of Needs

۵. انقلاب جنسی (Sexual Revolution) اشاره به دوره‌ای تاریخی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در غرب دارد که بتدریج منجر به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش‌ها، اخلاق جنسی و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی شد. هدف از انقلاب جنسی، ایجاد شادی و لذت بیشتر از طریق رابطه جنسی بدون تعهد یا با تعهد کمتر بود (لادوک، ۲۰۰۶: ۱۷).

۶. این روابط، در بعضی موارد به «روابط بعد از ازدواج»، در قالب خیانت‌های پنهان هم تسری یافته است. باراش و لیپتون می‌گویند: در یکی از بیمارستان‌ها در آمریکا به منظور تشخیص بیماری‌های ارثی کودکان، تست DNA ترتیب داده شد که در حین آزمایش مشخص شد که ۱۰٪ از این بچه‌ها از نظر ژنتیکی هیچ ربطی به پدر خانواده نداشتند. نتایج یک آزمایش ژنتیک در انگلستان نیز نشان داد که از هر ۵ پدر انگلیسی، یک پدر بدون آنکه بداند، فرزند مرد دیگری را بزرگ می‌کند (باراش و لیپتون، ۲۰۰۲: ۷۴).

7. Marriage Age

۹. منظور از هم‌بالینی (Cohabitation)، زندگی مشترک دو شریک جنسی همراه با رابطه صمیمی و عاطفی با یکدیگر بدون قید و بندهای قانونی ناشی از ازدواج رسمی است. در هم‌بالینی، پایبندی به همسر جنبه عاطفی دارد و نه قانونی.

8. Marriage Rate

۱۰. بین اندیشمندان غربی این بحث، همچنان داغ است که هم‌بالینی، شکل دیگری از خانواده است یا عاملی برای اضمحلال آن؟ (برای مطالعه بیشتر رک: کولو و بویل: ۲۰۱۰)

11. Open Door Politics

13. Extramarital Sex

15. Taboo

17. Qualitative

19. Purposeful Sampling

12. Premarital Sex

14. Sexual Worker

16. Virginity

18. Social processes

۲۰. بدیهی است که نمونه‌ای سی و چهار نفری نمی‌تواند نمونه‌نمایی از مردان دارای روابط جنسی پیش از ازدواج باشد و لذا نتایج حاصل از این مصاحبه‌ها به هیچ روی قابل تعمیم نیستند. اگرچه که به طور کلی روش‌های کیفی

دیرزمانی است که ادعای تعمیم را فرو نهاده‌اند.

۲۱. نمونه‌گیری در این تحقیق، براساس منطق نمونه‌گیری کیفی بوده است که براساس در نظر گرفتن «حداکثر تنوع پاسخگویان در متغیرهای اساسی» تحقیق صورت پذیرفته است.

22. Data Saturation

24. Interactive

26. Probing

28. Open Relations

30. Strain Theory

32. Legitimacy Means

34. Value Expectations

36. Culture

38. Self-Esteem

23. Semi-Structure Interview

25. Follow- up Questions

27. Call girl

29. Romantic Love

31. Cultural Goals

33. Anomie

35. Value Capabilities

37. Lifestyle

منابع

- آزاد، ت.، زند، م.، و خزاعی، ز. (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی. *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ۴۴ و ۴۵، ۲۴-۱.
- امیریان‌زاده، م.، و امیریان‌زاده، ز. (۱۳۸۴). *آذر*. رابطه بین طلاق و مشکلات جنسی. مقاله ارائه شده در دومین همایش خانواده و مشکلات جنسی، تهران.
- خلج‌آبادی فراهانی، ف.، و مهریار، ا. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *خانواده‌پژوهی*، ۲۴(۶)، ۴۴۹-۴۶۸.
- ربانی، ر.، و صفایی‌نژاد، ف. (۱۳۸۴). فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دینداری و ارزش‌های اجتماعی. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۱۲(۲)، ۲۱-۴۰.
- زاده‌محمدی، ع.، و احمدآبادی، ز. (۱۳۸۷). هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱۳)، ۸۷-۱۰۰.
- زاده‌محمدی، ع.، و احمدآبادی، ز. (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان: راهکارهایی برای پیشگیری از جرم در محیط خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۲۰(۵)، ۴۶۷-۴۸۵.
- سلیمی‌نیا، ل.، جزایری، ع.، و محمدخانی، پ. (۱۳۸۴). نقش سلامت روان در ظهور رفتارهای پرخطر نوجوانان. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۵(۱۹)، ۷۵-۹۰.
- فروتن، ک.، و میلانی، م. (۱۳۸۷). بررسی شیوع اختلالات جنسی در متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده. *دانشور*، ۱۶(۷۸)، ۳۷-۴۲.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه ه. جلیلی)*. تهران: نشر نی.
- عطایی، ب.، نخودیان، ز.، بابک، آ.، شعاعی، پ.، محمدزاده، م.، و صادقی، س. (۱۳۸۸). شیوع آلودگی به ویروس هپاتیت B و عوامل خطر آن در کودکان و نوجوانان خیابانی شهر اصفهان. *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ۲۷(۱۰۲)، ۷۸۸-۷۹۷.
- عباسی، خ.، و ایمان، م. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی گرایش نوجوانان به فرهنگ غربی. *جوانان و مناسبات نسلی*، ۱، ۱۱۳-۱۴۰.

غدیری، م. و فروتن، ک. (۱۳۸۷). اختلالات جنسی عامل پنهان طلاق: ضرورت حضور پزشک آموزش دیده در ترکیب کارشناسان مراکز مشاوره خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴(۱-۱۶) ویژه‌نامه نقد و بررسی لایحه حمایت از خانواده، ۵۸۵-۶۰۸.

گرمارودی، غ.، مکارم، ج.، علوی، ش.، و عباسی، ز. (۱۳۸۸). عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران. *فصلنامه پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی (پایش)*، ۹(۱)، ۱۱-۱۹.

گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی* (ترجمه م. صبوری). تهران: نشر نی.

- Afary, J. (2009). *Sexual politics in modern Iran*. Cambridge: Cambridge University Press
- Barash, D., & Lipton, J. (2002). *The myth of monogamy: Fidelity and infidelity in animals and people*. New York: Holt press
- Barlow, A., Duncan, S., Grace, J., & Alison, P. (2005). *Cohabitation, marriage and the law, social change and legal reform in the 21st century*. Oxford: Hart Publishing.
- Blesk, A. L., & Buss, D. M. (2001). Opposite-sex friendship: Sex differences and similarities in initiation, selection and dissolution. *Personality And social Psychology Bulletin*, 27, 1310-1323.
- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*. London: Sage publication.
- Erkmen, H., & Dillbazan, N. (2001). Sexual attitudes of Turkish University student. *Journal of Sex Education and Therapy*, 16, 251-261.
- Ghuman, S. H., Loi, V. M., Huy, V. T., & Knodel, J. (2006). Continuity and change in premarital sex in Vietnam. *Journal of International Family planning Perspectives*, 32(4), 166-175.
- Glaser, B., & Straus, A. (1967). *The discovery of grounded theory*. Chicago: Adline Press
- Gough, I. (1994). Economic institutions and the satisfaction of human needs. *Journal of Economic Issues*, 28(1), 25-66.
- Gurr, T. R. (1970). *Why men rebel?* Princeton University Press.
- Harding, D., & Jencks, C. H. (2003). Changing attitudes toward premarital sex. *Public Opinion Quarterly*, 67, 211-226
- Johanson, T., & Migel, F. (1992). *Do the right thing: Lifestyle and identity in contemporary youth culture*. Sweden: Almqvist and Wiksell International
- Kulu, H., & Boyle, P. J. (2010). Premarital cohabitation and divorce: Support for the "Trial Marriage" theory? *Journal of Demographic Research*, 23, 879-904.
- LaDuke, A. (2006). *Living through the sexual revolution*. London: Greenhaven Press.
- Lee, G. R., Payne, K. (2010). Changing marriage pattern since 1970: What's going on and why? *Journal of Comparative Family Studies*, 41(4), 537-543.
- Legkauskas, V., & Stankeviciene, D. (2009). Premarital sex and marital satisfaction of middle age men and women: A study of marriage Lithuanian couples. *Journal of Sex Role*, 60, 21-31.
- Mahdavi, P. (2008). *Passionate uprisings: Iran's sexual revolution*. California: Stanford University Press

- Mallika, A., M., Grada, L., Kanade, S., Jejeebhoy, S., & Ganatra, B. (2007). Correlates of premarital relationships among unmarried youth in Pune District, Maharashtra, India. *International Family Planning Perspectives, 33*(4), 150- 159.
- Maslow, A. H. (1970). *Motivation and personality*. New York: Harper and Row Publishers
- Merton, R. K. (1957). *Social theory and social structure*. New York: Free press
- Mohammad, K., Farahani F. K., Mohammadi, M. R., & Alikhani, S. (2007). Sexual risk-taking behaviors among boys aged 15-18 years in Tehran. *Journal of Adolescent Health, 41*(4), 407-14.
- Raymo, J. M., Iwasawa, M., & Bumpass, L. (2009). Cohabitation and family formation in Japan. *Journal of Demography, 46*(4), 785-803.
- Regnerus, M., & Uecker, J. (2011). *Premarital sex in America*. Oxford: Oxford University Press.
- Rich, M., & Ginsburg, K. (1999). The reason and theme of qualitative research: Why, when and who to use qualitative methods in the study of adolescent health. *Journal of Adolescent Health, 25*, 371 – 378.
- Sakalli, N., & Glick, P. (2003). Ambivalent sexism and attitudes toward women who engage premarital sex in turkey. *The Journal of Sex Research, 40*(3), 296-302.
- Thornton, A. (1989). Changing attitudes toward family issues in the United States. *Journal of Marriage and the Family, 51*, 873-893.
- Welling, K. (2006). Sexual behavior in context: A global perspective. *Journal of the Lancet, 368*, 1706-1728.
- Zhang, K., & Li, D. (1999). Changing sexual attitudes and behavior in China: Implications for the spread of HIV and other sexually transmitted disease. *Journal of Aids Care, 11*(5), 581-589.

Archive of SID